

بنیاد حکمت

ششم

- ۱۱. فصل اول: کلیات مباحث وجود
- ۱۲. فصل اول: بیاهت مفهوم وجود
- ۱۳. فصل دوم: اشتراک معنوی مفهوم وجود
- ۱۴. فصل سوم: رکن بودن وجود بر ماهیت
- ۱۵. فصل چهارم: راه الوجود
- ۱۶. فصل پنجم: تشکیک وجود
- ۱۷. فصل ششم: تخصیصی خالی شدن وجود
- ۱۸. فصل هفتم: احکام سلبی وجود
- ۱۹. فصل هشتم: نفس الامر
- ۲۰. فصل نهم: شیت-ساقی وجود
- ۲۱. فصل دهم: نبوتن نماز و طهارت در عدم

فصل نهم: از معدوم مطلق نمی توان خبری داد

زیرا همانطور که گفته شد عدم شیت ندارد در حالی که باید چیزی باشد تا بتوان از آن خبر داد

اشکالی خود همین جمله خودش را اطلاق می کند زیرا دارد از عدم مطلق خبر می دهد

جواب: «لاخیر عنه» عدمی است یعنی جمله می شود عدم مطلق عدم المطلق که به حمل اولی مباحث است اولی از این حد که مفهوم عدم مطلق یکی از موجودات ذهنی به حمل شاع است حکم به «لاخیر عنه» که یک موجود ذهنی است داده می شود یعنی وقتی عدم مطلق شد وجود لاخیر عنه هم می شود حکم!

و همین جواب است برای موارد دیگر مثل

- الجزئی جزئی: که به حمل اولی صحیح است ولی به حمل شاع نمی است
- شریک الاری منتهی که به حمل اولی شریک الاری شریک الاری است ولی به حمل شاع یکی از مفاهیم و از مخلوقات اری تعالی است
- التمی اما ثابت فی الذهن او لاثبات فیه که لا یثبت لاثبات است به حمل اولی ولی ثابت است به حمل شاع زیرا مفهوم ذهنی و در ذهن ثابت است

فصل نهم: از عدم مطلق معلوم می شود

منتهی است که معلوم بعینه اعادة شود زیرا بدیهی است که معدوم چیزی نیست (شیت ندارد) که بخواد نصف به اعادة شود

انده استماع

- ۱. لازمه اعادة معلوم این است که عدم بین شی و خودش فرار بگیرد که محال است
- ۲. اگر اعادة معلوم جایز باشد جایز است که مثل شی از همه جهات استماع ایجاد شود زیرا فرقی بین قبل از عدم و بعد از عدم نیست که این محال است زیرا استماع مثلین است که بر گشتن به وحدت کثیر معلوم کثیر است
- ۳. اعادة معلوم موجب می شود که شی بعد از عدم همان شی قبل از عدم باشد حتی فر زمان که محال است زیرا با انقلاب است با خلف
- ۴. لازمه اعادة معلوم این است که یک شی بی نهایت شی باشد زیرا فرقی بین اعادة اول و دوم و نیست و همچنین فرقی بین شی قبل از عدم و بعد از عدم نیست

تخلیل مجوزین اعادة معلوم

- استماع اعادة معلوم با بخاطر ماهیت یا لازم ماهیت معلوم است که در این صورت همان ابتدا نمی توانست موجود شود و اگر بخاطر عرض مغایر است که این استماع را تخلی می است
- رذیه استماع بخاطر لازم وجود و هویت معلوم است نه ماهیت آن

نکته: آنچه باعث شده است بعضی متکلمین قائل به جواز اعادة معلوم شوند این بوده که همان کردند که معاد اعادة معلوم است در حالیکه موت یک نوع استکمال است نه عدم و زوال

- ۱۲. مرحله دوم: وجود خارجی و ذهنی
- ۱۳. مرحله سوم: وجود فی نفسه و فی غیره
- ۱۴. مرحله چهارم: مواد ثلاث
- ۱۵. مرحله پنجم: ماهیت و احکام آن
- ۱۶. مرحله ششم: مقولات عشر
- ۱۷. مرحله هفتم: علت و معلول
- ۱۸. مرحله هشتم: واحد و کثیر
- ۱۹. مرحله نهم: سبب و لائق و قدم و حدوث
- ۲۰. مرحله دهم: طهر و فعل
- ۲۱. مرحله یازدهم: علم و تعلم و معلوم
- ۲۲. مرحله دوازدهم: سابق و لاحق بالواجب تعالی

ارتباط با استاد
آموزش کمال در اینستا
@DARSHA
۰۲۱ ۵۲۹ ۰۰۱۱۵